

متن پرسش

سلام استاد عزیز وقت بخیر: سوالی شاید پیش پا افتاده می‌پرسم اما متاسفانه رایج امید است راهنمایی بفرمایید. در مورد صله‌ی رحم و اخلاق خوش روایت زیاد داریم و سیره‌ی اهل بیت ماست در فامیل خود شخصی داریم بسیار رک گو است، هر چه به فکرش آید بر زبانش جاری می‌شود، و اغلب باعث رنجش اطرافیان می‌شود و وقتی با مهربانی در وقتی دیگر اشاره به آن رفتار می‌کنیم کاملاً حق به جانب خود را محق می‌داند و دیگران را مقصر. متاسفانه رفتارهای زننده او سبب غیبت پشت سرش توسط اقوام می‌شود برای اولین بار تذکری به او دادم و بسیار ناراحت شد و باز هم خود را محق دانست [اصلاً توقع نداشت چون همیشه اوست که دیگران را نقد می‌کند و دیگران به حرمت پدرش جوابی به او نمی‌دهند]، نکته اینجاست که درون من نیز آشفته و ناراحت است، که شاید اگر نمی‌گفتم و مثل همیشه چشم‌پوشی می‌کردم بهتر بود، شاید رنجیده باشد در حالیکه حق با من بود سوال اینجاست: اولاً آیا غیبت اقسامی دارد؟ هر حرفی که پشت شخص غایب مطرح شود غیبت است؟ کسی که در محافل عمومی با رفتار خود، موجبات غیبت پشت خود را ایجاد می‌کند، به طور طبیعی مردم پشت سرش صحبت می‌کنند، خود او اسباب حرف و حدیث را ایجاد می‌کند ثانیاً این که گاهی رفتاری می‌کنیم که فطرت و ندای درونمان ناراحت می‌شود، لزوماً نشان از اشتباه بودن آن رفتار است؟ این حس که هم ناراحت می‌شوم از او و هم دلم برای آرامش نداشته اش می‌سوزد هم غیبت توسط اطرافیان یک دوگانگی بدی در من ایجاد می‌کند و دوست ندارم اینگونه باشم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال این نوع افراد، خودشان باید متوجه ضعف‌هایشان بشوند و تذکر شما در این راستا برای کمک به آنها می‌باشد. به ما فرموده‌اند غیبت فرد مؤمنی که عیب خود را پنهان کرده، نکنیم تا آن عیب افشاء شود. ولی اگر خودش آن را پنهان نمی‌کند، گفتن آن غیبت به حساب نمی‌آید. موفق باشید